

فراز

نشریه

اندیشان

*سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

1

شروع به عمل کردن بدون طرح ریزی
علت همه شکست ها است!

© 1

مطابق اپریل 2015

حمل 1394

فراز
اندیشان

شماره نخست

سال نخست

سخن نخست!

گل رحمان فراز

سیاس آن پروردگار را که پرتو علم را در قلوب ما، آتش تلاش را در ذهن ما بر افروخت که همان موجب شد تا این را وظیفه انسانی خویش بدانیم و در عرصه آگاهی دهی مردم شرافتمند غور گام برداریم. نشریه فراز اندیشان دوشادوش نشریه اندیشه عصر نوین همیشه در تلاش اطلاع رسانی اطلاعات استوار بر حقایق خواهد بود و در این عهد اش مصمم است.

طوریکه میدانیم، رسانه ها با زوی توانای حکومت های توسعه یافته بشمار میروند و حتی بعد اطلاع رسانی را یکی از قوه های چهار گانه (اجرایه، مقننه، قضاییه و رسانه ها) میدانند. رسانه ها در واقعیت می توانند با انتقاد ها و واکنش های سالم و بجای شان به داشتن یک حکومت قانونی، سالم و عاری از فساد، نقش مهم و اساسی را بازی نمایند. اما در اطلاع رسانی رسانه هم بد بختانه افراط و تفریط صورت می گیرد و انعکاس مطالب طوری قوم گرایی و متعصب گونه تمثیل و انعکاس داده می شود چون شرایط طوری افتاده است که برای بیان حقایق هم باید جنبه حمایتی در افغانستان داشته باشی در غیر آن سر نوشت خیر نگار به خاکستر روزگار مالیده خواهد شد و نتیجه فاجعه بارش تنها و تنها مرگ تدریجی خیرنگار است.

خرسندیم اینکه به زود ترین هنگام توانستیم در عرصه گزارش دهی و اطلاع رسانی اعتماد و اعتبار خارق العاده را بین مردم شریف غور بدست آوریم و در اعتبار بخشیدن این اعتماد شان همیشه بر عملی ساختن این خواست ها کوشا ایم!

خواهش ما از کلیه عزیزان و بزرگان این است که ما را با انتقادات، پیشنهادات و توصیه های عالمانه شان افتخار بخشند و بخاطر رفع نا هنجاری های آینده نگارشی این نشریه (در صورت لزوم) نظرات خویش را در رابطه به طرز نگارشی معیاری با ما شریک سازند تا باشد که ما بتوانیم در شماره های بعدی این نشریه، همان موضوعات را عبرت گرفته و به شماره های بعدی از آن اشتباهات جلوگیری بعمل بیاوریم.

به امید سربلندی همه دوستان، قلم بدستان و جوانان که میوه انرژی زای آینده کشور اند، و خصوصاً دوستانی که از اندیشه های جاودانه و عاری از تعصب برخوردار اند، آرزو مندیم که این نشریه کمکی باشد برای باز نمودن ذهن های بسته و محدود که حس همدیگر پذیری در آنها مرده است و در بدل آن خشونت و بد گوئی جا گرفته است.

موفق و سرفرازی هم میهنان آرزوی دیرینه ماست!

تقدیر مجلس سنا از کارکرد دو رئیس موفق!



کارکرد ها و فعالیت های چشم گیر، پای دو مدیر توانا و با شخصیت هر یک محترم گل احمد عثمانی - رئیس ریاست کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین و محترم گل احمد حیدری - سارنوال ریاست سارنوالی غور را به تقدیر از طرف مسلمیار - رئیس مجلس سنا کشاند.

مسلمیار با تفویض لوح تقدیر از طرف اداره اش به وجود این جوانان با حساس و پر انرژی افتخار کرد و ابراز داشت اینکه با داشتن همچو مدیران با عزم راسخ میتوان به آینده متری، انکشاف یافته و توسعه وضع زندگی مردم خویش امید وار بود و تنها این جوانان پر کار و پر تلاش اند که دید بزرگان را نسبت به آینده متری افغانستان خوشبین می سازند. تفویض این تقدیر نامه همزمان با حضور محترم سناتور محمد داوود غفاری - سناتور موفق و پر تلاش ولایت غور انجامید و وی نیز موفقیت های بیشتر در کار های مربوطه این دو رئیس آرزو کرد و در حضور رئیس مجلس سنا، این دو شخصیت را رؤسای فعال معرفی کرد که میتوان به آنها به دید افتخار آمیز دید!

بعد از آن محترم گل احمد عثمانی - رئیس کار، امور اجتماعی، شهدا و معلولین از حسن نظر محترم مسلمیار - رئیس مجلس سنا و محترم سناتور محمد داوود غفاری تشکری نموده و بیان نمود اینکه کلیه حد توان خویش را صرف خدمت به وطن و هم وطنان خویش خواهد کرد تا افغانستان عزیز مان از این سر درگمی نجات یابد.

سر انجام محترم گل احمد حیدری نیز از این لطف بی پایان رئیس مجلس سنا و سناتور ولایت غور سپاسمندی نموده و گفت که اخذ این تقدیر نامه برایم انگیزه میدهد تا بیشتر از پیش به فعالیت های کاری ام ادامه دهم و بار دیگر از منبع دادستانی غور مثل اینبار افتخار آفرینی نمایم. **شاه میر اخگر**

فقر و بیکاری دو چالش بزرگ برای غوریان محبوب اکبری



صفحه دوم.....!

چکیده از صحبت های محبوب اکبری در مصاحبه صبح طلوع نیوز!

ایماق، قبیله فراموش شده!



یکی از اقوام بزرگ و پر جمعیت و در عین حال شدیداً محروم، منزوی و نا شناخته افغانستان (ایماق ها) هستند. آنها به هر لحاظ از اقوام هزاره، تاجک، ازبک، بلوچ و اقوام دیگر حاشیه نشین، گمنام و با انزوای بیشتر بسر می برند و نام اش از حافظه تاریخ این سرزمین و رویداد های معاصر این وطن بکلی خط خورده است. مطالعات مردم شناسی و پیشینه شناسی در رابطه به آن، نهایت اندک و محدود است.

اغلب پژوهشگران داخلی و خارجی آنرا از قلم انداخته اند. به همین دلیل، اطلاعات اندک از پیشینه، وجود تباری، فرهنگ و زبان ایماق ها در دسترس است.

در طول سالهای جهاد (دهه شصت خورشیدی) و نیز سال های جنگ داخلی (دهه هفتاد خورشیدی) برخی از اقوام حاشیه نشین مانند تاجک ها و هزاره ها با تشکیل و تنظیم جبهه های جهادی و احزاب سیاسی، در پی احیای هویت و تامین حقوق خود بر آمدند، برخی دیگر از اقوام مانند ازبک و فرقه اسماعیلیه نیز با قرار گرفتن رژیم تحت حمایت شوروی در کابل و دست یافتن به قدرت و امکانات گسترده نظامی از طریق این همراهی، مدعی اعاده حقوق و جایگاه قومی خود در صحنه سیاسی افغانستان شدند.

متأسفانه ایماق ها درین دوره طلایی هیچ گونه حرکت و حرارتی در جهت تعبیر و بهبود وضعیت موجود خود نشان ندادند نه در جهاد و مقاومت خود درخشیدند و نه از فرصت ها همراه با حکومت اشغال گران استفاده نمودند به همین دلیل پس از سه دهه جنگ هیچ تحول سیاسی و اجتماعی در وضعیت ایماق ها رخ نداده است.

شهید الله فایز

دوکتور احدی؛ مرد وحدت شعار و عمل!



خودم، گل رحمان "فراز" همراهی محترم محبوب "اکبری" آمر مواد نفتی و گاز مایع ولایت غور و دوست صمیمی ام جواد "جاوید" به ملاقات دوکتور انورالحق "احدی"، رهبر حزب افغان ملت رفته بودیم و با ایشان روی برخی از مسایل از جمله مشکلات مردم غور صحبت نمودیم؛ البته این ملاقات بهانه ی بود برای اینکه از سخنان و راهنمایی هایی این مرد سیاست پیشه بهره ببریم و طرز تفکر شان را در مورد مسایل کلان کشوری مطالعه نماییم! چون تصور که قبل از این ملاقات، شخص خودم از داکتر احدی داشتم این بود که او مانند دیگر رهبران افغانستان، شعار و عملش متفاوت است، یعنی بر خلاف چیزیکه می گوید عمل می کند، چنانچه که همه مردم شاهد است اینکه اکثر از بزرگان، سیاست گذران و رهبران کشور؛ "وحدت شعار و عمل" ندارند و به عبارت روشنتر چاشنی سیاست شان را دروغ، فریب، خدعه و چال بازی تشکیل می دهند و بس! و به نظر شخص خودم داکتر احدی کاملاً متفاوت از دیگران می اندیشد و عمل می کند و بطور کلی او شخصیت است که "وحدت شعار و عمل" دارد.

در فرجام داکتر احدی نسبت به وضعیت مردم غور و اینکه مسوولین دولتی کوچکترین توجهی در ولایت غور نکرده اند، اظهار تاسف نمود و وعده سپرد تا تاحد توان که دارد در خدمت مردم و جوانان تحصیل کرده بیکار ولایت غور خواهد بود و از هیچ نوع همکاری دریغ نخواهی ورزید!

وی جوانان را جوانان را کوره های داغ انرژی خواند که نیاز اشد به استفاده از فابریکه اندیشه، انگیزه، استعداد و شریک سازی تجارب حاصله بزرگان دارند!

وزرای تعیین شده!



لیست مکمل شانزده نامزد وزیر که از شورای ملی رای اعتماد اخذ نمودند:

- 1- انجیر علی احمد عثمانی نامزد وزیر انرژی آب و برق رای تأیید 168 رای
- 2- داکتر اسدالله حنیف بلخی آرای تأیید 161 رای
- 3- داکتر فریده مومند نامزد وزیرتصیلات عالی آرای تأیید 184 رای
- 4- اسدالله ضییر نامزد وزیر زراعت و مالداري آرای تأیید 192 رای
- 5- هایون رسا نامزد وزیرتجارت و صنایع آرای تأیید 170 رای
- 6- عبدالباری جملانی نامزد وزیر اطلاعات و فرهنگ آرای تأیید 120 رای
- 7- سید منصور نادری نامزد وزیر شهرسازی آرای تأیید 202 رای
- 8- داکتر اوریاخیل نامزد وزیر کار و امور اجتماعی، شهدا و معلولین آرای تأیید 169 رای
- 9- داکتر دلیر نظری نامزد وزیر امورزنان آرای تأیید 131 رای
- 10- انجیر محمود بلیغ نامزد وزیر فواید عامه آرای تأیید 168 رای
- 11- سلامت عظمی نامزد وزیر مبارزه علیه مواد مخدر آرای تأیید 155 رای
- 12- محمدالله بناش نامزد وزیر ترانسپورت آرای تأیید 176 آرای رد 32 رای
- 13- عبدالصیر انور نامزد وزیر عدلیه آرای تأیید 138 آرای رد 65 رای
- 14- محمد کلاب منگل نامزد وزیر قبایل و سرحدات آرای تأیید 188 رای
- 15- عبدالرزاق وحیدی نامزد وزیر مخابرات و تکنالوژی آرای تأیید 152 رای
- 16- عبدالستار مراد نامزد وزیر اقتصاد آرای تأیید 152 آرای رد 51 رای

منبع: سایت بخدی

چرا با جامعه مدنی در مخالفت قرار دارم؟!

فراز اندیشان: کوهین محترم، سپاس از اینکه وقت ارزشمندتان را خدمت ما قرار دادید، در ضمن مردم میخواهند بدانند اینکه چرا با جامعه مدنی غور در مخالفت قرار دارید؟

کوهین: سپاس فراوان از کلیه دست اندر کاران نشریه فراز اندیشان که زمینه پخش درد دلهايم را فراهم ساختند، به پاسخ سوال تان "چرا با جامعه مدنی در مخالفت قرار دارم؟" باید گفت که: وقتی سخن از جامعه مدنی و دفتر جامعه مدنی در غور به میان می آید، هر دانش آموخته و دانش آموز که بیرون از استان غور بسر می برد، احساس خرسندی می نماید و مخالفت با این نام را سنگ زدن به کعبه مقصود خویش می پندارد ولی باید دانست که ما در جامعه زندگی می کنیم که هنوز وابستگی های قبیله ای، اندیشه های طایفه گرایی، اهداف شخصی و منافع پرستی های فردی حاکم، امیر، سرور و حرف اول را می زند؟

ادامه صفحه چهارم.....!



مبارکباد نامه!



دست اندر کاران نشریه فراز اندیشان فراغت شش تن از استادان دارالمعلمین عالی غور را که تازه از دانشگاه های افغان امریکن و کارلستاد سویدن بدرجه کارشناسی ارشد (ماستری) فارغ التحصیل گردیدند، تبریک و مبارکباد عرض میدارند و از مردم شریف غور به پاس قایل شدن احترام به شخصیت استادان گرانقدر که از میدان هوایی بدرقه شان کردند و همچنان از رهبری مقام ولایت بخاطر برگزاری محفل با شکوه در سالن بزرگ کنفرانس های مقام ولایت قدردانی می نمایند و آرزو دارند که استادان نام برده کما فی السابق مصدر خدمت در تعلیم دهی و تربیه محصلین و علم ورزان بکشوند.

فراز اندیشان

سال 94، خونبار ترین سال برای افغانستان



من در کشور زندگی میکنم که پایه های اساسی این کشور را غم و اندوه تشکیل میدهد و معمولاً این همه اندوه و غم از طرف کشور های به خون تشنه همسایه مان برای ما روا دانسته می شود، آمار اتفاقات پی در پی و تباہ کن به حدی رسیده است که حتی گوش شنوا مادر مظلوم را در قبال مرگ پسرش، ذهن پر اندیشه دانشمند را، صفحات آرشیف تلویزیون ها را....! را به زانو در آورده است و رسانه ها از نشر و پخش این همه نا بسامانی انسان سوز خسته شده اند.

حملات خونین پی در پی باعث مرگ نا به هنگام بسیاری از هم وطنان مظلوم و بی گناه ی ما و موجب تخریب مگان ها و بروز فشار روانی و حشت بالای هر هم وطن شده است که تحمل هر اتفاق، اتفاقی دیگری را در پی دارد.

فقط میتوانم چنین بنگارم که خداوند کلیه مسلمانان را هدایت فرماید و برای شان راه درست کسب روزی را نشان داده تا دست برادران بی خبر مان از این همه بد بختی و هم وطن کشی کوتاه گردد.

میر احمد ابراهیمی

هر طالب پشتون است اما هر پشتون طالب نیست!



اتفاقاً اسلام دین است که در صدر جدول بهترین و با برنامه ترین ادیان جهان قرار دارد و خوشبختانه خیلی از انسان های غیر مسلمان با درک عمیق آیین و اصول پسندیده ی این دین، دل گرمانه دست به پذیرش اش میزنند تا ثروت و قوت این دنیا را صرف طاعت به راه خدا و کسب توشه برای آخرت کنند.

اما خوشبختانه مسلمانان کارت هویتی پیدا شده است که با رفتار دیکتاتوران و وحشیانه ی شان، اسلام را برای جهانیان و بخصوص کسانیکه مطالعه جامع و همه گیر از این دین میرا از نقص و عیب نداشته اند، منحیث دین دهشت و وحشت بشناسانند!

ایجاد و تاسیس گروه های تند رو و تک ران زیر چتر اسلام (مانند: داعش، طالب، القاعده، لشکر مسلمین، شبکه حقانی.....!) میتواند ضربه ی بزرگ بر گسترش دامنه ی این دین همه گیر باشد، و این گروه ها اند که به اسلام را در دیدگاه ی جهانیان لقب دین افراطی را می بخشند! یگانه پالیسی خدعه باز این گروه ها و این شبکه ها همانا عدم ترحم به بشر و عدم داشتن حس انسان دوستی است، بخاطر ریشه کن سازی دشمنان شان از کشتن دوست های شان نیز دریغ نمی ورزند، نه توجهی به کشته شدن بی گناه دارند و نه هم به کشتن خانم، طفل، پیر سال.....! دامنه ی فعالیت های بعضی از گروه های فوق، جهانی بوده که آشوب های جنگجالی بر انگیز جهان را مدیریت می کنند و اسلام را به سطح جهانی اش میخوانند بدنام سازند، اما یک گروه ظالم و دهشت افکن که از اساس در لانه های پاکستان پرورش یافته است، تمرکز اصلی اش تخریب و نابودی افغانستان است (آرزوی که پاکستان همیشه آنرا بر سر می پروراند)! و آن همانا گروه طالبان است که اولویت عضویت دادن را در مشمولیت به این کاروان، پشتون بودن می خوانند! یگانه دلیل که بنظر من در این راستا خطور می کند این است که؛ سرحد مشترک ولایات پشتون نشین با ایالات پاکستان، فقر و بیکاری، عدم کنترل و تفتیش کلی حکومت محلی در ولایات، عدم رسیدگی حکومت افغانستان بخاطر تامین امنیت آن افراد، باج دهی قناعت بخش طالبان پاکستانی و حکومت پاکستان، فراهم سازی تعلیمات دینی در مدارس دینی برای طالبان دین و تقویت دید افراطی آنها، انگیزه دهی استعمار و استثمار کشور شان توسط کشور های غیر اسلامی، انگیزه دهی شان در مخالف بودن با کسور های همسایه ی که میخواهند فرهنگ شان را تسخیر کنند و نشان دادن نمایه (سلاید) های بهشت رفتن با مخالف بودن به موارد فوق توسط علمای برجسته ی آن کشور (حتی احادیث صحیح پیغمبر گرامی را نیز جعل می کنند) علل و عوامل است که عده ی از برادران پشتون مان را به طرف طالبانیزم سوق داده است!

در بین قوم پشتون، هستند و بودند کسانیکه سراسر بخاطر نابود سازی این گروه و برای بطلان سازی اندیشه ی محدود و تک ران این گروه دست و پنجه نرم کردند و حتی جان های شیرین خود را از دست دادند اما دریافت مادیات از طرف پاکستانی ها چنان این همه افراد را مثل رهبر شان (ملا عمر کور) ذهننا کور کرده است که راه بهشت رفتن را در مخالفت با هر نظام حکومتی افغانستان و تخریب مجدد این وطن میدانند!

از اینجاست که نمیتوان تهمت طالب بودن را در پیشانی هر پشتون هم وطن ما زد، تجربه نشان داده است که ضرب المثل، "انگشتان برادرند اما نه برابر" کاملاً در این وضع صدق می کند، اگر مروری به گسترش حرکت های رسول گرامی مسلمان بیاندازیم، معلوم می شود که افراد از قبایل و ادیان دیگر مشتاقانه سخن گهر بار آنحضرت را می شنیدند و به دین اسلام مشرف می شدند، اما کاکای پیامبر (ابی لهب که از قبیله ی قریش بود) تا آخرین دم حیات اش در مخالفت با آیین معتبر و علم بر افراشته ی محمد (ص) که همانا گسترش دین اسلام بود، رزمید و تسلیم به پذیرش این دین نشد!

فلهذا، از ماست که بر ماست! از کلیه قلم بدستان عزیز خواهش مندم تا ایده ی باز و همه گیر اسلام را برای کلیه افراطیان نا خبر و انحراف شده برسانند تا باشد که در اعمار معیاری ارزش ها و خط مش حقیقی اسلام کمکی کرده باشیم و موجب کسب ثواب و پاداش برای خودمان گردد که این خود یکی از وظایف و مسئولیت های اجتماعی و اسلامی هر شخص بشمار میرود!

و من الله توفیق

گل رحمان فراز

- ✓ ماهنامه فراز اندیشان، منتظر مطالب علمی و فرهنگی قلم بدستان می باشد.
- ✓ ماهنامه فراز اندیشان، در ویرایش مطالب ارسالی دست باز دارد.
- ✓ مطالب گرفته شده باز پس نمیگردد.
- ✓ بجز از سر مقاله، مطالب گرفته شده نظریه خود نویسندگان آنها میباشد و ماهنامه فراز اندیشان در قبال کدام مسئولیت ندارد.

.....ادامه!

چرا با جامعه مدنی در مخالفت قرار دارم؟!

فراز اندیشان: بنظر شما، تعبیر مردم از جامعه مدنی و خواسته های شان از کسانیکه در این مقام کار می کنند چه است؟

کوهین: هنوز در اندیشه بسیار از مردم ما تفکیک کلی بین این دو گزینه وجود ندارد: 1. جامعه مدنی سنت گرا 2. جامعه مدنی مدنیت گرا
جامعه مدنی سنت گرا: افراد اند که از طرف گروه های خاص، بزرگان قومی، احزاب سیاسی و دیگر کتله های اجتماعی، اقتصادی و سیاسی تشکیل شده و اهداف مشخص و مقطعی دارند و منافع گروه مورد نظر بالاتر از منافع عامه در بین شان حاکمیت دارد.

جامعه مدنی مدنیت گرا: این بخش بزرگ و یکی از پایه های اساسی حکومت های دموکراتیک است اینها گروه هستند که یک جامعه عقب مانده را به طرف قله های بلند زندگی و سعادت سوق می دهند و امروز جریانی که در غور بنام جامعه مدنی فعالیت دارد بر همگان روشن است که این جریان، جریانی جامعه مدنی سنت گراست و بدون شک این جریان مخالفانش بیش از طرف دارنش است ولی این حرکت ها برعلاوه که نتوانسته به زخم های ملت مرحم بگذارد بلکه نمک و مکروبوی شده که جامعه را به لجن زار بدبختی و گودال نابودی مطلق کشانیده است.

فراز اندیشان: پس بنظر شما، افرادی که زیر این چتر کار می کنند مربوط و متعلق به کدام طیف می شوند؟

کوهین: من با تمامی احترام که به تحصیل بعضی از جوانان پیشرو و حضور در جامعه مدنی غور دارم باید روشن و آشکار بگویم که جوانان پیشگام و رهبر در جامعه مدنی از طیف سنت گراها هستند نه مدنیت گرا و طوری که بر همگان روشن است مشکل جامعه کنونی ما بزرگ پنداشتن سنت های ناپسند است که از جنگ خانمانسوز 40 ساله برما به میراث مانده است.

فراز اندیشان: میشه این موضوع را صاف تر با ارائه مثال واضح سازید تا همگان بدانند؟

کوهین: شما خود شاهد بودید که چند روز پیش جامعه مدنی امضا و مهرتایید بر فعال بودن تمامی مکاتیب غور در شبکه های اجتماعی به نشر سپردند که با انتقاد سخت مردم رو به رو شد و همه مردم به این کارشان نفرین می فرسادند در حالیکه چند وقت پیش به ضد معارف گزارش های نوشته اند که همگان میدانند.

فراز اندیشان: مراد از گفته تان همانا "که معتکف دیرم و گه...!" یا...؟

کوهین: از سرو صداهای جامعه مدنی غور با ریاست معارف و در راس فعالیت ها آقای حسن حکیمی هم از دید هیچ فردی پنهان نیست که چند وقت پیش جامعه مدنی، ریاست معارف را جان به لب رساند و موضوع کشمکش شان حتی رسانه ی شد ولی همین طوریکه در جریان هستیم هیچ تغییر و کدام نوسازی و نو اندیشی در ریاست معارف به وجود نیامد ولی نمیدانم یکبار چرا ناقدان دیروز "جامعه مدنی ما" سخن خود را پس گرفتند، مریدان سر به کف ریاست معارف شدند بدون تردید اینکه: "گه معتکف دیر و گه ساکن بت خانه" شدند، باید به همه مردم، مثل روز، روشن شده باشد که اهداف مدنیت نه بلکه معدنیت است.

فراز اندیشان: انجام چه موارد ناپسند را از طرف جامعه مدنی غور شاهد بودید که حالا در مخالفت قرار گرفتید؟

کوهین: موارد بسیار وجود دارد که من خود شاهد بودم؛ *سد قرار گرفتن در برابر معاون شدن فیض محمد میزا زاده. *پیشنهاد و شکایت های متکرر شان از شهید شهریار شرق در جلسه های ولایت که یکبار خودم نیز حضورداشتم که بین من و حکیمی مشاجره لفظی هم شد. "البته تنها بین من و حسن حکیمی" که در نتیجه پرتوان ترین جوان ما به کام نابودی کشانده شد و من همیشه حدس میزنم و باور دارم که در موضوع شهادت شهریار شرق دست جامعه مدنی هم به طور مستقیم و یا غیر مستقیم احتمالا دخیل باشد چون از کشمکش ها و زد و بندهای بین جوانان جامعه مدنی و شهریار شرق، و بلخصوص شهریار شرق و حسن حکیمی بر اکثر جوانان پنهان نیست. *برخورد های قوم گرایانه. *شخصی سازی دفتر مجتمع و موسسات همکار *حرکت های بی بنیاد و زود گذر و دور از آینده نگری و... و صدها موارد دیگر است که من طرفدار این حالت نبوده و بنا مرا مخالف قلمداد می کنند.

فراز اندیشان: از سخنان تان طوری معلوم می شود که کلیه انتقادات تان بر مبنی اصلاح طلبی بوده، پس با راهکار چه نوع افراد در مخالفت قرار دارید و آیا تا هنوز کدام تغییر مثبت را در غور مشاهده کرده اید که نتیجه فعالیت های چند ساله جامعه مدنی غور باشد؟

کوهین: به نظر من اصلاح طلبی و بهترشدن مخالفت نه بلکه یک دوستی و عطف است من مخالفت شخصی با هیچ کس ندارم و همه انسانها نزد من از احترام ویژه بر خوردار اند، جز آنانیکه سرنوشت مردم را بازیچه اطفال میدانند من فکر می کنم این جوانان به جای اینکه جامعه و ملت مظلوم غور را به طرف معدنیت سوق بدهند، به سمتی نفاق بد بختی و چالش مواجهه می سازند، ما را نفاق نابود کرده و می کند. جوانان سو استفاده گر از نام جوانان "جامعه مدنی" در طی 13 سال چه دست آوردی دارند؟، جز اینکه همیشه مردم غور را بدنام و ناجور و ناپسند تعریف کنند، کدام دست آورد و خدمت شان را کسی شاهد است؟، آیا به نظر شما مظاهره هر روز و هر سال بخاطر فلان مسؤل را نمی خواهم و فلان باشد درد مردم را دوا می کند؟، چند نفر از والی ها را بدنام ساختند؟، چند نفر والی را ما کشیدیم چی تحول و سهولت به زندگی مردم و دیار ما آمد؟، چرا هر روز تاریخ را تکرار می کنیم؟ چرا از اشتبا مان عبرت نمی گیریم؟ چرا؟، بیایند اگر فرزندان واقعی غور هستند وابسته به ارباب ها و غلام حلقه به گوش نیستند با عزت و افتخار بگذارند مسئولیت را به دوش یک جوان دیگر که نه وابستگی با ما داشته باشد و نه به آنها!

فراز اندیشان: کوهین عزیز، سپاس از اینکه بخاطر روشن شدن، اصل قضیه مخالفت ات پیشنهاد ما را پذیرفتید و حقایق و درد دل ها را به رخ عامه بخاطر باز شدن ذهن های بسته، گوش های کر بعضی افراد کشانید!

کوهین: ممنون، اظهار خرسندی دارم که صفحات دیگری را در امر آگاهی دهی مردم ام با مطالب پر محتوا می بینم، فراز اندیشان رسانه اصل محور است و برای کلیه دست اندرکاران این نشریه، دوام کاری، صحت بدنی میخواهم و آرزو دارم همیشه واقعبیت گرا باشند.

دیزاین: گل رحمان فراز

0773835012/0795315972

0799141640

0779472009

0777796732

faraz.andishan786@gmial.com

حامی بودیم به نفع مشترک این ولا
این است راز ما که از ما می شنوند
فراز اندیشان

آن سرزنش که کرد ترا دوست، حافظا
بیش از گلیم خویش مگر پا کشیده ای؟!